

۵۱۶,۲۹

عشق و عطش

گزیده مدایح و مرثی شاعر اهل بیت (ع)

مجاهد تبریزی



کتابخانه ملی

سرشناسه	۰-۴۷۲-۳۱۳-۶۰۰-۹۷۸:
شماره کتابشناسی ملی	۴۳۸۱۷۶۲:
عنوان و نام پدیدآور	عشق و عطش گزیده مدایح و مراثی / اسماعیل اکبرزاده زکی (مجاهد تبریزی).
مشخصات نشر	تهران: سفیر اردهال، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری	۲۱۶ ص.
موضوع	شعر ترکی آذربایجانی - ایران - قرن ۱۴
عنوان دیگر	Azerbaijani poetry - 20 th century
ر. ضوع	شعر مذهبی فارسی - قرن ۱۴
م. ضوع	Religious poetry, Persian - 20 th century
ر. ضوع	شعر مذهبی ترکی - ایران - قرن ۱۴
م. ضوع	Religious poetry, Turkish - Iran - 20 th century
ر. ه. بند	۸۹۴/۳۶۱۱:
زده بند ، کنگره	۱۳۹۵ ع ۶۳۱۷ الف / PL۳۱۴
سرشناسه	اکبرزاده زکی، اسماعیل، ۱۳۱۹-
وضعیت فهرس	ر. ب.



عشق و عطش گزیده مدایح و مراثی

اسماعیل اکبرزاده زکی (مجاهد تبریزی)

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵

صفحه آرایی و طراحی جلد: واحد آماده سازی سفیر اردهال
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سفیر اردهال

شمارگان: ۵۵۰ نسخه ♦ شماره نشر: ۱-۵۰۸

بها: ۱۲۰۰۰۰ ریال

© حق چاپ: چاپ اول ۱۳۹۵، انتشارات سفیر اردهال www.safirardehal.ir

شابک: ۰-۴۷۲-۳۱۳-۶۰۰-۹۷۸

نشانی دفتر: تهران، خیابان مفتح، خیابان سمیه، روبه روی بانک ملی ایران، ساختمان ۱۱۸، واحد ۴
تلفن مرکز پخش: ۸۸۳۱۳۸۹۸-۸۸۳۱۹۳۴۲ کد پستی: ۱۵۸۱۸-۷۴۷۱۵ email: safirardehal@yahoo.com

کلیه حقوق مادی و معنوی چاپ و نشر این اثر
متعلق به مولف کتاب و وراث قانونی وی می باشد.

فهرست

- ۱۱ داشت دبیر مجموعه
- ۱۳ قدم به قلم حُجّت الاسلام والمسلمین دکتر حسن عباسزاده آهری
- ۱۷ رح حال شاعر

فصل اول

- ۲۷ مدایح و مراثی در
- ۲۸ به مناسبت میلاد مبارک پیامبر اعظم (ص)
- ۳۱ احوالات غدیر خم
- ۳۴ در وفات جانگداز حضرت پیامبر اعظم (ص)
- ۳۸ در حلم و رحلت حضرت پیامبر اسلام (ص)
- ۴۱ در مدح حضرت فاطمه زهرا (س)
- ۴۴ در مصیبت شهادت حضرت فاطمه زهرا (س)
- ۴۷ نوحه ضربت خوردن حضرت علی (ع)
- ۵۰ نوحه شهادت حضرت علی (ع)
- ۵۴ مخمس در شهادت حضرت امیرالمؤمنین (ع)
- ۵۸ نوحه شهادت حضرت امام حسن مجتبی (ع) زیانحال امام به جناب زین العابدین (س)
- ۶۲ نوحه زیانحال حضرت امام رضا (ع) به خدا در فراق فرزندش
- ۶۶ شعر زیارت حضرت امام رضا (ع) در بارگاه ملکوتیش
- ۶۸ در شهادت حضرت امام موسی بن جعفر (ع) زیانحال امام به معبود یگانه در زندان
- ۷۱ زیانحال حضرت مُسلم خطاب به امام حسین (ع)
- ۷۴ نوحه اول محرم و رؤیت هلال ماه

- بسته شدن راه فرات زبانهال خانم سکینه(س) به حضرت قمر بنی هاشم (ع)..... ۷۷
- نوحه روز عاشورا..... ۷۹
- شعر عاشورایی..... ۸۳
- وداع حضرت علی اکبر(ع) زبانهال خانم لیلا(س)..... ۸۸
- نوحه شهادت حضرت علی اکبر(ع) وقایع آمدن حضرت حسین(ع) به سرنعش فرزند..... ۹۱
- نوحه حضرت علی اکبر(ع) زبانهال حضرت لیلا(س)..... ۹۵
- نوحه رخصت میدان خواستن جناب قاسم از امام حسین(ع)..... ۹۸
- نوحه شهادت جناب قاسم زبانهال امام(ع) به خواهرش حضرت زینب(س)..... ۱۰۱
- نوحه زبانهال امام رباب(س) در تشنگی فرزندش جناب علی اصغر(ع)..... ۱۰۵
- نوحه اتمانه بخت حضرت امام حسین(ع) به لشکر عمر سعد ملعون در مصیبت تشنگی جناب: علی اد نر(ع)..... ۱۰۸
- زبانهال حضرت امام حسین(ع) عمر سعد ملعون در تشنگی جناب علی اصغر(ع)..... ۱۱۲
- در شجاعت و به میدان رفتن حضرت قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس(ع)..... ۱۱۶
- زبانهال حضرت قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس(ع) در حمل مشک آب به خیام اهل بیت(ع)..... ۱۲۰
- نوحه استمداد حضرت ابوالفضل(ع) زبانهال به برادرش حضرت امام حسین(ع)..... ۱۲۴
- زبانهال حضرت امام حسین(ع) به سرنعش برادرش حضرت ابوالفضل(ع)..... ۱۲۷
- زبانهال حضرت امام حسین(ع) به شمر ملعون..... ۱۳۰
- نوحه غارت خیام زبانهال خانم سکینه به حضرت عباس(ع)..... ۱۳۳
- دفن شهدای کربلا زبانهال حضرت امام سجّاد(ع) به اهل قبیله..... ۱۳۶
- دوبیتی فارسی کوفه..... ۱۳۸
- زبانهال حضرت زینب(س) به سر مبارک حضرت حسین(ع)..... ۱۳۹
- زبانهال جناب رقیه(س) به حضرت زینب(س)..... ۱۴۳
- نوحه کوچ از شام زبانهال خانم رباب(س) بر سر مزار رقیه(س)..... ۱۴۷
- نوحه اربعین زبانهال حضرت زینب(س) به سر قبر حضرت امام حسین(ع)..... ۱۵۰

فصل دوم

- ۱۵۵.....مدایح و مراثی فارسی
- ۱۵۶.....زبانحال حضرت مسلم به امام حسین(ع)
- ۱۵۸.....محرم‌نامه
- ۱۶۱.....نوحه روز عاشورا
- ۱۶۳.....زبانحال حضرت امام حسین(ع) به سر نعل حضرت اکبر(ع)
- ۱۶۵.....نوحه زبانحال خانم رباب به حضرت علی اصغر(ع)
- ۱۶۷.....در استبداد حضرت ابوالفضل(ع) از برادرش حضرت امام حسین(ع)
- ۱۶۹.....زبانحال حضرت زینب(س) به امام حسین(ع) در گودال قتلگاه در روز عاشورا
- ۱۷۴.....زبانحال حضرت زینب(س) در کنار قبر امام حسین(ع) در اربعین
- ۱۷۷.....به مناسبت میلاد حضرت علی(ع)
- ۱۸۰.....در میلاد مسعود حضرت علی(ع) شاه به ناآرامی‌های عراق و فلسطین و لبنان
- ۱۸۳.....به مناسبت میلاد فرخنده حضرت امام حسن مجتبی(ع)
- ۱۸۵.....به مناسبت شب ولادت باسعادت حضرت امام رضا(ع)
- ۱۸۹.....در ولادت باسعادت حضرت امام زمان(عج) و اساطیر اوضاع «عراق و فلسطین»
- ۱۹۱.....در ولادت مسعود حضرت مهدی صاحب‌زمان(عج)
- ۱۹۳.....در ولادت حضرت امام زمان(عج) و مناجات با حضرتش
- ۱۹۶.....مناجات با حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف به مناسبت ولادت ایشان
- ۱۹۹.....اشعاری چند در مقام حضرت فاطمه زهرا(س)
- ۲۰۲.....راز و نیاز حضرت امام موسی کاظم(ع) با خدای خویش در زندان هارن سلعون

فصل سوم

- ۲۰۵.....اشعار متفرقه ترکی و فارسی
- ۲۰۶.....شعر عارفانه، پند
- ۲۰۹.....مبلغ دین پیمبر
- ۲۱۱.....شعری در مورد هشت سال دفاع مقدس جنگ تحمیلی از سوی بیگانگان

- زبانحال یک رزمنده در جبهه در حال شهادت به مادرش ۲۱۴
- در مقام شهید و شهادت ۲۱۶
- در وفات پدر عزیزم ۲۱۸
- در سالگرد وفات همسر ۲۲۰
- در وفات مادرم ۲۲۲
- دست خط شاعر ۲۲۴
- زبان آل امام حسین (ع) به سر نعش قمر بنی هاشم (ع) ۲۲۶

یادداشت دبیر مجموعه

السلام علیک یا اباعبدالله الحسین (ع)

دوستی اهل بیت، مدح و منقبت و مرثیت اهل بیت عصمت و طهارت (ع) مشخصه‌های بارز از هویت اصیل ایرانی در بین مردم و شعر و ادب این سرزمین بوده است. از این رو کمتر شاعری ایرانی را می‌توان سراغ گرفت که در گلستان خوشبوی ادبیات دهر بار اهل بیت (ع) به نغمه‌سرایی نپرداخته باشد. در بررسی تاریخ، فرهنگ و ادبیات ایران، نگارنده می‌شود آذربایجان جایگاهی ممتاز در فرهنگ و هویت شیعی ایران داشته و این ادبیات آذربایجان شعر یکی از عرصه‌های مهم ابراز عشق و محبت به خاندان نبوت م‌نسوب می‌شود. رشد و تعالی ادبیات دینی و مذهبی در ایران با رسمیت تشیع در این آستان در مسجد جامع تبریز در سال ۹۰۷ ق توسط شاه اسماعیل صفوی گسترش غیر قابل‌وه‌فی یافت که بررسی آن در این مختصر نمی‌گنجد.

اوج شکوفایی ادبیات مذهبی قرن یازدهم و چهاردهم هجری قمری بود. در این دوره صدها شاعر و ادیب آذری توانا، ذوق و لطافت و بار و بنان خود در مدح و مرثیت اهل بیت (ع) به جولان آورده و بساطین پرطراوتی از گلزارهای ناب تقدیم سریر جگرگوشه حضرت زهرا سلام‌الله کرده‌اند.

بستان نغمه‌گران سلطان کربلا، همواره برطراوت است. در این گار هر صاحب هنری آمده نغمه دلدادگی‌اش را سرداده، دامن معرفتش افشاند و در محبت و نگاه نگار واقع شده است. از جمله‌ی نغمه‌سرایان خوش‌بیان این بارگاه م‌یونی شاعر خوش‌ذوق و جواندل اسماعیل اکبرزاده زکی است که با تخلص «مجاهد» در تبریز بین فرهیختگان شناخته می‌شود. مجاهد تبریزی از شاعران متعهد معاصر است که با شمشیر شعرش به همراهی با سالار شهیدان و ترویج و تبلیغ مرام آزادی‌رهبیر آزادمردان پرداخته است.

استاد مجاهد تبریزی پای ثابت جلسات شعرای آئینی تبریز است، و محضر بزرگان شعر و ادب آذربایجان همچون استاد سید محمدحسین شهریار، را درک کرده

و خود از شاگردان استاد محمدصادق بهادری بوده است. وی با ادبا و شعرای بنام معاصر و ذاکر اهل بیت(ع) همچون استاد حسینی و دیگران معاشر است.

به پیشنهاد جناب مجتبی زاد صادق تبریزی که زحمات بسیاری در احیای ادبیات آئینی آذربایجان کشیده است، انتشار دفتر نخست از مدایح و مراثی استاد مجاهد تبریزی در برنامه «مؤسسه تاریخ و فرهنگ دیار کهن» قرار گرفت. آنچه در این کتاب که «دفتر هفتم» از مجموعه «تاریخ و ادبیات مرثیه آذربایجان» است، در سه بخش: مدایح و مراثی آذری، مدایح و مراثی فارسی و اشعار متفرقه گوشه‌ای از میراث ارزشمند این شعر اهل بیت را عرضه می‌نماید. امید است به‌زودی باقی اشعار و مدایح و مراثی ایشان ترویج و منتشر گردد.

اگر به دیده انتقاد نگرییم اشعار این مجموعه اغلب مدایح و مراثی بکر و تازه‌ای است که برای مداحان و مدایح خیران اهل بیت(ع) تازگی داشته، مورد استقبال و استفاده ایشان در مجالس عزای یونس فاطمه‌سلام الله قرار خواهد گرفت از این رو امید است سراینده عوامل انتشار کتاب «عشق و عطش» را از دعای خیرشان محروم نسازند.

وظیفه خود می‌دانم از همراهی و حسن ظن شایسته گرامی جناب آقای اسماعیل اکبرزاده زکی(مجاهد تبریزی) و جناب مستطاب منتضی زاد صادق تقدیر و تشکر نمایم. بدیهی است بزرگواری و همت ستودنی مدیر محترم انتشارات سفیر اردهال جناب آقای مهندس عابدینی نقش اساسی در انتشار این مجموعه را دارد. قدردان همکاری ارزشمند وی و همکاران محترمش خواهیم بود. همچنین از دست گرامی آقای نادر خبازی دولت‌آباد به جهت همکاری در فراهم آمدن این مجموعه قدردانی می‌کنم.

در آستانه محرم

رحیم نیکبخت

عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز

مقدمه به قلم حُجّت الاسلام والمسلمین دکتر حسن عباس زاده آهری

تاریخ همه چیز را در یک گرداب زمانی بزرگ و طولانی کهنه می‌کند و همه کس را به هم می‌رساند و گاهی در حوزه تاریخ، استاد تبدیل به مراد می‌شود و شاگرد به عنوان شاهد زنده بر فضایل استادش دست به قلم می‌برد و اینجا از فرازهای عجیب تاریخ است.

از جانب در بهترین سن آموزش و دوران کنجکاوی در یک روستای به دور از هرگونه امانات و تحصیلات بودم. همانند سایر فرزندان محروم ایران درحالی که تشنه آموختن و مبارزه با جهل بودم ولی سکونت و غفلت و حرمان تمامی اطراف و ابعاد زندگی ما را فرا گرفته بود. ناآشنا و کدخدای ده بشارت داد که از تبریز یک معلم فرستاده‌اند و از فردا در این دبستان کلاس‌ها شروع خواهد شد. شب را با ذوق عمیق و شوقی استوار در انتظار این معلم و راهنما بودیم که در صبح آن شب چشم ما به صورت استاد افتاد و این صورت بزرگ و هادی بودیم که در صبح آن شب تواضع و سادگی بود. او خود را اسماعیل آبرزاده زکی معرفی و در همان روز رابطه درست استاد و شاگردی را در کلاس برقرار نمود. در تمام دقایق خود را در تدریس دلسوزانه و با قصد آموزش به تمام وجودش سپری می‌کرد.

گاهی که وقت استراحت می‌دادند از کیف خود یک دفترچه کوچک خورده و اوراق ناپیوسته خارج می‌ساخت و شروع به شعر گفتن و سرودن اشعار می‌نمود و در این اشعار سوز دل - عمق ایمان - رشحات هنر و شرح موضوعات موج می‌زد و ما را در خود خیره می‌نمود، زیرا ایشان وقتی درس می‌گفتند یک حالت جدی داشتند و وقتی شعر می‌گفتند محو در مضامین آن می‌شدند و خصوصاً در ایام محرم از امام حسین (ع) سروده‌هایی ایراد می‌کردند و با چشم‌های اشکبارش آن را توضیح می‌دادند.

ویژگی این معلم از اینجا جای تعجب بود که در زمان طاغوت جز تدریس و وظایف مربوط به آن به چیز دیگری نمی‌پرداختند و از مسائل مذهبی گریزان بودند و رابطه آنها با دانش‌آموزان خود یک رابطه رسمی و خشک بود ولی این استاد بزرگوار استاد اخلاق هم بودند.

بالاخره ما نیز در طول مسیر با تحولاتی که در کشور رخ داد و سن و سالی از ما گذشت در شهرستان تبریز مستقر شدیم و چشمم به دنبال استاد بود که چگونه پیدا کنم و به مصداق عاقبت جوینده یابنده شود ناگهان به مرادم رسیدم.

تقریباً از تاریخ خداحافظی استاد با ما قریب بیست سال می‌گذشت که دوباره آن را زیارت کردم. استاد از نظر وجودی همواره استوار بود ولی در نگاهش یک تورفتگی مشاهده می‌شد. با اندک صحبتی که با ایشان شد و از خانواده و بچه‌ها سؤال کردم از همان خانم (همسرش) پرسیدم دیدم که در نگاهش تکانی خورد و می‌خواهد با تمام وجودش برایم یک خبر ناگوار بدهد که فهمیدم که آن بانوی بامهر و بالادب که همواره مونس استاد بود در این جوانی به رحمت ایزدی پیوسته و یک عالم مشکلات و اندوه بر سر استاد دم زده است. ولی دریافتم استاد با این مصیبت‌های پیوسته به هم خیلی گداخته‌تر شده و طبع و ذوق هنری‌اش پخته‌تر گشته است و تمامی ادبیات و کلام ایشان را صنعت شعر و عرفان فرا گرفته است. درباره هر حرفی و هر کلامی شعر می‌گوید و آن هم چه اشعاری، چه اربابانه^{۱۴} او هم در شعر بدوی، هم در تضمین و هم در تصنیف و هم در ایضاح دل بزرگان غوغا می‌کند و راه‌گشا می‌باشد و در انجمن شعرای آذربایجان جایگاه بلندی دارد. شهریاروا می‌راید و حافظ‌وار می‌اندیشد و در خیل ادبیات آذربایجان و ادیبان معاصر نام و نسانی دارد.

از دیگر فعالیت‌های ادبی آن استاد بزرگوار پرسیده که غالبی را بیان فرمودند و قرار شد که از اندوخته‌هایش در حوض کوثر هنر ارزشمند آن جرعه جرعه برایم بنوشاند و حسن ظن آن حضرت به اینجانب از ابتدا شامل حال من بود ولی در سکوت روحانیت خیلی بیشتر شده بود. از اینکه یکی از شاگردانش طلبه من بود خیلی برایش موجب سرور و شادی می‌گشت هرچند که بنده محتوای آن را ندارم ولی به شکل و شمایل من افتخار می‌کرد و من دست استاد را به گرمی فشردم و روح تعلیم و تعلم را دگر بار در دیدارها زنده کردم و همان شدم که در سالهای ۱۳۴۴ بودم: آری!! شیوه دیگر از کلاسهایم را دایر و آموزش را شروع کردم و چون شعر و ادبیات و هنر استاد و صنعت شعر ایشان مرا به اعجاب وامی‌داشت و افتخار مرور آثارش را پیدا کرده بودم (هرچند من اهل فن نیستم و سر رشته‌ای با معارف ایشان به صورت تخصصی ندارم). ولی برای خود واجب و لازم دانستم که جهت ادای احترام و یادآوری روزگار

گذشته و تجدید خاطره‌ها و اشاره به عمق و ریشه این هنر استاد به زمان جوانی ایشان و به استعداد درخشانش در ورودی دیوان ایشان چند جمله‌ای به عنوان تذکره‌الخاطرات و وصف‌الاستاد عرایضی داشته باشم. امیدوارم اهل دل و صاحبان ادب و هنر خصوصاً جوانان سرزمین اولین‌ها از این رشحات معنوی و هنری و علمی استاد گرانقدر بهره‌مند شوند و من یقین دارم این توفیق را که در ادای احترام به استادم پیدا کرده‌ام بمرتبه‌ای از توشه آخرتم در نزد خداوند ذخیره و حفظ شود. ان شاء الله

تبریز - حسن عباس‌زاده اهری

۱۳۹۲/۷/۲۳

مطابق با شب عید قربان ۱۴۳۴